

مستون شد پس با بروی ز تاشک شد چون سفال تید که آواز میگرد و چون دست
بر روی بزق کل کالصلصال و کالنجی و قبیل الماده جنس الانس یعنی میا و میان آن خلقنا
الانسان من طقة امتیاج بدرستی و راستی که آفریدیم فرزندان آدم را از آب
منی آمیخته آب مرد با زن الامتاج جمع مشج اوج مشج کخلط و خلیط و اخلط
تبتلیه تا پیازیم و پیرا کارهای شریعت تا پیدا شود از وی که با اختیار خود چیز میکند
یا غرضیک ما دانستیم این آدمی را شنوا و بینا از قط آب منی شنوا و بینا آفریدیم
انا هدیناه السبیل اما شاکر و اما کفور کما بدرستی که ما نمودیم آدمی را راه نیکی
بری و حق و باطل را شکر گوید یا نیکوید اگر شکر گوید و ایمان آورد و عمل نیک کند راه نمودن
و اگر شکر گوید و کافر شود و کفر کند راه نمودن عیش از ما محرم بود آدم نبودست
که همش از خاک و فرزند آن و از آب آفریدیم و شنوا بینا کردانیدمشان و راه حق
و باطل نمودمشان اگر ایمان آرند و عمل نیک کنند جای ایشان بهشت جاودانی شد
و اگر ایمان نیارند و عمل نیک نکنند جای ایشان دوزخ باشد چنانکه در حال بر طایفه
تا آفریند و گفت جل جلاله انا اعتدنا للکافرون سلا سیلا و غلا لا یسعیر
بدرستی که ما آفریدیم کافران را زنجیر با و غلامی که آن و کشتن سوزان بعد از آن
مؤمنان را ایمان کرد و گفت جل جلاله انا لایسزینونک من کاس کالین و اجمعا

کافور کما بدرستی که نیکان یعنی مؤمنان را نیکو گاریش مند برشت از شراب قدحی که پیش
آفرینش می در سیدی در وی و فرشت بوی تخون کافور و قیل کافور ختم است در بهشت
لینا یسزینونها عباده الله ان کافور ختم با شکر پاشا مند از وی بنده کافور خدی تعالی
الباء یعنی بن او را بدید و بفرشتها تعالی را بر اندان آب را در صراطهای خود دید که کافور
در بندگی بستی بی جوی بخلاف حوی دنیا که خبر کرد که این بنده کافور نیک است و صفت
ایش را حیت و گفت جل جلاله ربی فون بالذکر و فاکتند کلین بنده کافور یک
نذرهای که کنند در طاعتها و فرضها و مستحبها و یخافون یومها کان شرح مستطیرا
و می ترسند روزی را که بر وی پراکنده باشد یعنی بر وی و عذاب وی آشکارا باشد
و بهر گناه کاران برسد و امام قتاده گفت از سخن آن روز آسمان شک شد و سوزنا
بر بریند و کوهها همچون کرد بهوارود و آفتاب و ماه را نورمانند زمین بجنبید و آبها
نورود و مقدار چهار صد و چهل کند وانی که حال آدمی به باشد زمی غافل که از آن روز
نرسید در کشف و کواشی بسیار از تفاسیر آورده است که این آیهها در حق
ایم المؤمنین علی رضی الله عنه و اهل بیت وی نازل شده است که ایشان روزی نبرد
میدان شده از برای صحت شاه زادگان و در سه شب طعام دادند و صحت یافتند
و سایر را ایم المؤمنین علی رضی الله عنه بسنان ملک و سایر گرفت و بسنان ملک بی